

# رواج ازدواج خویشاوندی و عوامل پشتیبان آن در میان زنان حداقل یک بار ازدواج کرده مناطق شهری استان بوشهر

احمد دراهکی\*، محمود مشفق\*\*

## چکیده

ازدواج خویشاوندی یکی از اشکال رایج ازدواج در جامعه‌ی ایرانی است که همواره توجه محققان را به خود جلب کرده است. تئوری‌های ساختاری مدعی‌اند، با افزایش عناصر نوسازی همانند تحول در شیوه‌ی تولید اقتصادی، تحصیلات، شهرنشینی، رشد درآمد و گسترش مصرف، ارتباطات سریع‌تر و تغییرات شبکه‌ها و سرانجام گسترش سایر فناوری‌های جدید این نوع ازدواج رو به کاهش خواهد رفت. هدف تحقیق حاضر بررسی میزان رواج ازدواج خویشاوندی و عوامل پشتیبان آن است که در این راستا با بهره‌گیری از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۶۰۰ زن ۱۸ تا ۴۴ ساله واجد شرایط در نقاط شهری استان بوشهر مطالعه شدند. براساس نتایج تحقیق حاضر، در جامعه‌ی مطالعه شده ازدواج خویشاوندی با ۴۱/۲ درصد، رواج و مطلوبیت دارد. نتایج تحلیل چند متغیره با استفاده از رگرسیون لجستیک نشان داد، با کنترل سایر متغیرهای پژوهش، احتمال ازدواج خویشاوندی در میان پاسخ‌گویانی که سن ازدواج آنها پایین‌تر و الگوی انتخاب ازدواج آنها والدمحور است، بیشتر است. همچنین احتمال ازدواج خویشاوندی در میان افراد با تحصیلات پایین‌تر بالاتر است. در مجموع با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت، تحولات ازدواج خویشاوندی در جامعه‌ی ایران بیش از آنکه مستقیم از عناصر نوسازی تأثیر پذیرد از تحولات در سایر ابعاد نهاد خانواده و ازدواج مانند سن ازدواج، الگوی انتخاب همسر و تحولات باروری متأثر خواهد بود. به نظر می‌رسد، تغییرات در این عوامل پشتیبان زمینه‌ی کاهش رواج ازدواج‌های خویشاوندی در آینده شود.

## واژگان کلیدی

ازدواج، ازدواج خویشاوندی، خانواده، استان بوشهر، نوسازی.

\*. استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول) (Ahmaddorahaki@gmail.com).

\*\* استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (m\_moshfegh@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

ازدواج پیوند بین دو جنس مخالف بر پایه‌ی روابط پایای جنسی را موجب می‌شود (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۴) و ازدواج خویشاوندی<sup>۱</sup> پیوند ازدواج میان یک مرد و زنی است که دست کم یک نیای مشترک دارند (Bittles, 1994: 563). این نوع ازدواج به صورت سنتی و اجتماعی در بسیاری از جوامع جهان پذیرفته است؛ برای نمونه ازدواج خویشاوندی در کشورهای خاورمیانه از ۲۰ تا ۵۰ درصد کل ازدواج‌ها را در برمی‌گیرد که یک سوم از این ازدواج‌ها سهم هم‌نیاهای درجه‌ی اول است (Bittles, 1995؛ Hamamy & et al, 2011؛ Tadmouri & et al, 2009). عوامل متعددی می‌تواند، مشوق ازدواج‌های خویشاوندی مطرح شود. ترجیح ازدواج خویشاوندی در کشورهای خاورمیانه به عوامل اقتصادی و اجتماعی چندگانه مانند ارتقاء پیوندهای خانوادگی، تقویت انسجام خانوادگی، امنیت خانوادگی و حفظ منافع آن، سهولت در مذاکره‌ی ازدواج و ترتیبات آن، اعتقاد به ثبات و موفقیت بالاتر این ازدواج‌ها و مزایای مالی نسبت داده شده است (Bittles, 1994؛ Bittles, 2008؛ Tadmouri & et al, 2009؛ Sandridge & et al, 2010). علاوه بر این ازدواج بین خویشاوندان به دلیل حفظ میراث و ثروت خانوادگی در میان خانواده‌ی یکسان سودمند تلقی می‌شود (Klat & Khudr, 1985).

مسئله از آنجا شروع می‌شود که نظریه پردازان معاصر که تحول الگوهای خانواده و ازدواج را در رابطه با جریان‌های صنعتی شدن و مدرنیزاسیون مطالعه کرده‌اند، تحولات حاصل از این جریان‌ها را عاملی در جهت کاهش اقتدار والدین و افزایش استقلال فرزندان در امر همسرگزینی در نظر گرفته‌اند؛ فرایندی که در نهایت به کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته و از جمله ازدواج‌های خویشاوندی منجر خواهد شد (Goode, 1963؛ Thornton & Lin, 1994). افزایش تحصیلات زنان، تقلیل باروری و در نتیجه کاهش تعداد خویشاوندان مناسب برای ازدواج، مشارکت بیشتر زنان در نیروی کار، افزایش قدرت چانه‌زنی زنان و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها عواملی است که در کاهش روند ازدواج‌های خویشاوندی - در کشورهای - در این نوع ازدواج در آنها رواج داشته است - موثر است (Mazharul Islam, 2012).

ملازم با این تغییرات در چند دهه‌ی اخیر، خانواده‌ی ایرانی به ویژه خانواده‌ی شهری، متأثر از دگرگونی‌های مهم اقتصادی و اجتماعی، شاهد تحولات چشمگیری در ساخت و کارکرد ارزش‌های فرهنگی خود بوده است. به باور برخی از صاحب نظران این تغییرات متأثر از جریان نوسازی فرهنگی،

اجتماعی و سیاسی کشور رخ داده است (آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا، ۱۳۸۹). مقایسه‌ی نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج نسل مادران با نسل دختران در ایران امروز با توجه به تغییرات رفتاری و نگرشی خانواده در چند دهه‌ی اخیر نیز نشان می‌دهد که نسل امروز به طور متفاوتی در معرض این تغییرات بوده است (گروسی و یاری‌نسب، ۱۳۹۹: ۱۳۳). گروهی دیگر بر این باورند که همه‌ی گروه‌ها و جوامع به یک نسبت در معرض این تغییرات نبوده‌اند، بلکه بعضی به لحاظ زمانی، زودتر و به لحاظ درجه‌ی تأثیرپذیری شدیدتر از این تغییرها تأثیر پذیرفته‌اند. در مقابل، بعضی از گروه‌ها و جوامع دیرتر و با شدت کمتری در معرض فرایند نوسازی قرار گرفته‌اند (سرای، ۱۳۸۵). یکی از جنبه‌های مهم تغییرات خانواده تغییر در الگوی همسرگزینی است. با توجه به وجود و همزیستی انواع شیوه‌های انتخاب همسر و به تبع آن نسبت با همسر، یکی از موضوعاتی که درباره‌ی آن مطالعات متعددی انجام شده است (دواتی و همکاران، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵ ب؛ عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴؛ محمودیانی، ۱۳۹۸؛ ۱۳۹۸؛ Givens & Hirschman, 1994) و هنوز هم مهم است ازدواج خویشاوندی و عوامل پشتیبان آن است.

ازدواج خویشاوندی در جامعه‌ی ایران - مانند بسیاری از جمعیت‌های جنوب آسیا و منطقه‌ی خاورمیانه - یکی از بهترین شاخص‌های شدت ارتباط و تعامل میان خانواده و شبکه‌ی خویشاوندی شناخته می‌شود (عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴). همچنین برخی شواهد از ارتباط بین ازدواج خویشاوندی و پدیده‌های اجتماعی مهمی مانند طلاق و باروری حکایت دارند. برخی مطالعات بر این نکته تأکید دارند که الگوی نسبت با همسر می‌تواند در مسئله‌ای همچون طلاق نیز کاربرد داشته باشد (صادقی، زنجری و محمودیانی، ۱۳۹۷). همچنین الگوی ازدواج خویشاوندی/ غیر خویشاوندی با میزان باوری نیز می‌تواند در ارتباط باشد. به‌طور کلی میزان‌های باروری بالاتر در ازدواج‌های خویشاوندی گزارش شده است (Bittles, 2001). با توجه به نکات اشاره‌شده، سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا ورود عناصر نوسازی و برجسته‌تر شدن آنها در سال‌های اخیر، تأثیر معناداری در تغییر الگوی ازدواج و مشخصاً نسبت با همسر داشته است؟ همچنین کدام عوامل جمعیتی و اجتماعی از ازدواج خویشاوندی در جامعه‌ی ایرانی پشتیبانی می‌کند؟ در این راستا مطالعه‌ی حاضر با بررسی نمونه‌ای از زنان مناطق شهری استان بوشهر می‌کوشد به سؤالات مطرح‌شده پاسخ داده و آنها را تبیین کند.

## ۲- مبانی و چهارچوب نظری

نظریه‌هایی که تغییرات خانواده را بررسی می‌کنند، اساساً بر تأثیرات ساختاری همانند تغییر از کشاورزی به صنعت، حرکت جمعیت از روستا به نواحی شهری، گسترش تحصیلات، افزایش درآمد، تغییرات ایجادشده در فناوری، افزایش دانش و کاهش در بیماری‌ها و مرگ‌ومیر تأکید دارند. شالوده‌ی بحث این نظریه‌ها این است که تغییرات در شرایط اجتماعی و اقتصادی و نیروهای ایجادشده - مانند صنعتی شدن و گسترش تحصیلات - باعث ایجاد اصلاحاتی در جامعه شده است. این تغییرات اجتماعی و اقتصادی گسترده باعث تغییر شیوه‌های ارتباط افراد عضو یک خانواده شده است که شامل ارتباط زن و شوهری، تأثیر والدین در فرزندان، ارتباط بین خویشاوندان و نقش فرزندان در مراقبت از بزرگ‌ترهایشان است (Jayakody, Thornton & Axinn, 2008). برای درک بهتر نظریه‌های ساختاری بهتر آن است که هر کدام از عوامل میانجی تأثیرگذار بررسی شوند.

نخستین و شاید اولین تبیین از تغییر خانواده بر تغییرات شیوه‌های تولید اقتصادی متمرکز بود (Meek, 1976؛ Lehmann, 1960). این دیدگاه بر اهمیت تغییر از شیوه‌های معاش شکار یا گله‌داری به کشاورزی و به صنعت و تأثیرات آن در سایر عناصر جامعه تأکید داشت. این دیدگاه بر دوره‌های اخیر و بر فرایند صنعتی شدن - که بسیاری از جنبه‌های تولیدی خانواده را تغییر داده بود - تأکید ویژه‌ای داشت. هنگامی که پدر بر ابزار تولید کنترل چندانی ندارد و اعضای خانواده برای معیشتشان چندان به خانواده متکی نیستند، کنترل پدر بر فعالیت‌ها و ترتیبات زندگی فرزندان و همسرش کاهش می‌یابد (Jayakody, Thornton & Axinn, 2008). دومین عامل میانجی تأکید شده در نظریه‌های ساختاری تحصیلات است. گسترش تحصیلات رسمی در مدارس عامل مهمی در انتقال سازمان‌دهی اجتماعی در جامعه شناخته می‌شود. افزایش تحصیلات با پیامدهای گوناگونی مانند تأخیر در ورود به بازار کار، تغییر روابط بین دو جنس، کاهش اقتدار بزرگ‌ترها و تأخیر در ازدواج و ... همراه بوده است. رشد انواع مدارس و حضور در آنها می‌تواند عمیقاً روابط بین اعضای خانواده و اجتماع را تغییر دهد (Cleland, 2001).

صنعتی‌شدن با شهرنشینی - توسعه‌ی شهرهای قدیمی و ایجاد شهرهای جدید - همراه بوده است. مهاجرت از روستا به شهر که معمولاً افراد جوان انجام می‌دهند، همراه با ترتیبات زندگی جدید در ارتباط بوده است (Diamond, 1979). به علاوه، تراکم جمعیت در نواحی شهری اغلب باعث تغییر الگوهای تعاملات به سمت فردگرایی و روابط غیر خانوادگی می‌شود (Hawley, 1971). خصیصه‌ی کلیدی در تغییر اغلب جوامع - و نه در همه‌ی آنها - رشد درآمد - حداقل در گروهی از مردم - بوده است که به گسترش مصرف منجر شده است. رشد مصرف اساساً دسترسی به انواع

کالاها را توسعه داده و با تغییرات ذاتقه همراه بوده است. همچنین افزایش درآمد می‌تواند، امکان زندگی مستقل و امکان خاتمه دادن به روابط خانوادگی را فراهم آورد (Smith, 1981). ارتباطات سریع‌تر و تغییرات شبکه‌ها عامل میانجی‌گر دیگری است که در تئوری‌های ساختاری بر آن تأکید می‌شود. در بیشتر جوامع گذشته دسترسی افراد به اطلاعات در رابطه با جهان پیرامون به‌وسیله‌ی مردم محلی پیرامون آنها به‌ویژه افراد خانواده و همسایگان فراهم می‌آمد. این امر به‌صورت بنیادی در دهه‌های اخیر تغییر یافت (Thornton, 2005). همچنین سایر فناوری‌های جدید ماهیت جهان را تغییر داد که در خانواده نیز تأثیرگذار بوده است. کاهش مرگ‌ومیر و افزایش امید زندگی، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، همچنین رواج وسایل پیشگیری از بارداری از جمله تأثیرات فناوری بوده است (Wostoff & Ryders, 1977).

اگرچه تبیین ساختاری هنوز در نظریه‌های تغییر خانواده رویکرد غالب است، صاحب‌نظران بر این رویکرد انتقاد وارد کرده و تأکید صرف بر این رویکرد را برای تبیین تغییرات خانواده ناکافی می‌دانند؛ برای مثال باوجود تغییرات ساختاری، خیلی از الگوهای خانواده و روابط درون آن در برخی جوامع حفظ‌شده است. در این راستا و در تکمیل دیدگاه ساختاری، تعدادی از محققان بر نقش عوامل ایده‌ای تأکید کردند (Thornton, Cleland & Wilson, 1987; Caldwell, 1982). لسته‌هاک و ویلسون در این باره بر تغییرات مذهب و سکولاریسم - به‌عنوان عوامل اصلی تغییرات خانواده در اروپای غربی - تأکید دارند (Lesthaeghe & Wilson, 1986). لسته‌هاک این تفکر را توسعه داد و از تغییرات در ازدواج، زوج‌های زیستی، آزادی جنسی، طلاق و فرزندآوری خارج از ازدواج به‌عنوان گذار دوم جمعیتی<sup>۱</sup> یاد کرد (Lesthaeghe, 2010). تورنتون بر مفهوم آرمان‌گرایی توسعه<sup>۲</sup> تأکید کرد. این آرمان‌گرایی شامل چهار گزاره می‌شود ۱- جامعه‌ی مدرن خوب است و دست‌یافتنی است؛ ۲- خانواده‌ی مدرن خوب و دست‌یافتنی است؛ ۳- خانواده‌ی مدرن علتی برای جامعه‌ی مدرن و نیز معلول آن است؛ ۴- افراد آزاد و برابرند و روابط اجتماعی بر اساس توافق شکل می‌گیرند. گزاره‌های یادشده سیستم عقیدتی ویژه‌ای را به وجود می‌آورند که به تغییرات گسترده‌ای در الگوهای خانواده و ازدواج منتهی می‌شود (Thornton, 2005)؛ بنابراین می‌توان در یک جمع‌بندی، دیدگاه‌هایی که درباره‌ی تحولات خانواده مطرح‌شده‌اند را در دو حوزه‌ی تبیین‌های ساختاری مانند تئوری نوسازی و تبیین‌های ایده‌ای و ارزشی تقسیم‌بندی

1. Second Demography Transition

2. Developmental Idealism

کرد. البته در کنار این تبیین‌ها باید به تغییراتی که در حوزه‌های مختلف خانواده اتفاق می‌افتد و در سایر حوزه‌ها تأثیرگذار است نیز توجه کرد. در واقع، خانواده یک سیستم است و تغییر در هر یک از اجزای این سیستم می‌تواند زمینه‌ی تغییر در سایر اجزا را فراهم کند؛ بنابراین در این مطالعه در کنار توجه به تحلیل عناصر نوسازی به تغییر اجزای سیستم خانواده مانند سن ازدواج، نوع انتخاب همسر و ... بر تغییرات ازدواج خویشاوندی نیز توجه می‌شود.

### ۳- پیشینه‌ی پژوهش

ازدواج خویشاوندی از دیرباز در ایران رواج داشته است (کتابی، ۱۳۷۹)، بنابراین بررسی چگونگی توزیع و عوامل گوناگون مرتبط با آن توجه پژوهشگران اجتماعی متعددی را به خود جلب کرده است. گیونز و هیرشمن با استفاده از داده‌های طرح بررسی باروری ایران (۱۹۷۷) نشان دادند که ۴۰ درصد از ازدواج‌ها از نوع خویشاوندی بوده‌اند (Givens & Hirschman, 1994). نتایج مطالعه عباسی شوازی و همکاران که با استفاده از داده‌های طرح باروری در ایران (۲۰۰۲) انجام شد نیز حاکی از آن بود که حدود ۴۰ درصد از نمونه بررسی شده در چهار استان منتخب آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، گیلان و یزد همسر خویشاوند داشته‌اند (Abbasi Shavazi & et al, 2008). یافته‌های بررسی سعادت و همکاران - که در سطح تمامی استان‌ها انجام شده است - نشان داد که ۳۸/۶ درصد از ازدواج‌ها از نوع خویشاوندی بوده‌اند (Saadatet & et al, 2004). بررسی عباسی شوازی و ترابی که به منظور بررسی سطح، الگو و روند ازدواج خویشاوندی و با استفاده از داده‌های طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی - اقتصادی خانوار (۱۳۸۰) انجام شد، نشان داد ۴۲ درصد از ازدواج‌ها خویشاوندی بوده است (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵، الف). مطالعه‌ی محمودیانی که با استفاده از داده‌های پیمایشی که در سال ۱۳۹۵ در استان تهران انجام شده است، نشان‌دهنده‌ی آن بود که ۴۱ درصد از ازدواج زنان مهاجر همسر دار در شهرهای تهران و ملارد از نوع خویشاوندی بوده است (محمودیانی، ۱۳۹۸).

همه‌ی این مطالعات در سال‌های اخیر نشان‌دهنده‌ی مطلوب بودن ازدواج خویشاوندی در ایران است که حتی در طول زمان و با ورود عناصر نوسازی تغییراتی در میزان آن ایجاد نشده است. در مورد عوامل پشتیبان ازدواج خویشاوندی مطالعه‌ی عباسی شوازی و ترابی نشان می‌دهد که ازدواج افراد با ویژگی‌های مدرن با یکی از خویشاوندان کمتر از افرادی بوده است که ویژگی‌های سنتی داشتند (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵، الف). نتایج یک بررسی دیگر در شهر تهران بیانگر آن است که میانگین سن ازدواج در بین کسانی که ازدواج فامیلی داشته پایین‌تر از افرادی است که

ازدواج فامیلی نداشته‌اند. مطالعه‌ی مذکور همچنین نشان داده که ازدواج خویشاوندی با سن، جنس و تحصیلات رابطه‌ی معناداری ندارد (دواتی و همکاران، ۱۳۸۸). نتایج مطالعه‌ی عباسی شوازی و همکاران بیانگر آن است که احتمال ازدواج خویشاوندی در بین زنان ساکن روستا، زنان بی‌سواد و زنانی که تحصیلات پایین‌تری داشته‌اند، بالاتر بوده است. همچنین زنان اهل سنت و زنان متعلق به قومیت بلوچ و گُرد، در مقایسه با دیگر همتایان خود بیشتر ازدواج خویشاوندی را تجربه کرده‌اند (Abbasi Shavazi & et al, 2008). مطالعه گینوز و هیرشمن نشان می‌دهند که نوسازی از اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ به افزایش تدریجی در نسبت زنان با سطح سواد بالاتر، افزایش اشتغال زنان قبل از اولین ازدواج و افزایش سن ازدواج انجامیده است. زنانی که در این نقش‌های مدرن جای داشته‌اند، نسبت به زنان با وضعیت‌های سنتی‌تر کمتر با خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند (Hirschman & Givens, 1994). مطالعه‌ی محمودیانی نیز نشان می‌دهد، مدت‌زمان ازدواج اثر معناداری در الگوی ازدواج خویشاوندی دارد. همچنین خاستگاه سکونت، تحصیلات و تفاوت سنی زوجین اثر آماری معناداری بر الگوی ازدواج خویشاوندی ندارد (محمودیانی، ۱۳۹۸).

در سطح بین‌المللی مطالعه‌ی همامی و همکاران بیانگر آن است که در آمریکا، روسیه، استرالیا، بخش‌هایی از آمریکای لاتین و اروپا میزان ازدواج خویشاوندی کمتر از ۱ درصد است. در کشورهایمانند چین، ژاپن، شمال هند، جنوب اروپا و کانادا میزان فوق بین ۱ تا ۱۰ درصد و در مقابل این میزان در کشورهای عربی، ایران، ترکیه، پاکستان، افغانستان و جنوب هند بین ۱۰ تا ۵۰ درصد در نوسان است (Hamamy & et al, 2011). همچنین آمارهای بیتلز و بلک نشان می‌دهد، اگرچه ازدواج خویشاوندی به‌خصوص در کشورهای توسعه‌یافته کاهش یافته است، هنوز این ازدواج انتخاب حدود ۱۰/۴ درصد از جمعیت جهان است (Bittles & Black, 2010). پژوهش بهاسکار، سورش و آوادهانی در یکی از ایالت‌های جنوبی هند نشان می‌دهد که هیچ تفاوت معنی‌داری در الگوی ازدواج برحسب مذهب و گروه‌های قومی وجود ندارد (Bhaskar, Suresh & Avadhani, 2012). مطالعه‌ی باربور و سلامه در بیروت لبنان بیانگر آن است که ازدواج خویشاوندی در بین زنان با تحصیلات پایین، زنانی که بیرون از خانه کار نمی‌کنند و زنانی که پدر و مادرشان ازدواج خویشاوندی داشته‌اند، بیشتر بوده است (Barbour & Salameh, 2009)؛ بنابراین با توجه به نظریه‌های ساختاری و مطالعات پیشین می‌توان گفت، تحصیلات، اشتغال زنان، میزان درآمد و مصرف، ارتباطات سریع‌تر و تغییرات شبکه‌ها، سایر فناوری‌های جدید، مذهب و قومیت، مدت‌زمان ازدواج، سن افراد هنگام ازدواج، محل سکونت و شهرنشینی، مشخصه‌های اجتماعی و اقتصادی خانواده مانند الگوی ازدواج والدین می‌تواند با الگوی ازدواج خویشاوندی افراد در ارتباط باشد.

مطالعه‌ی حاضر ضمن آنکه می‌کوشد مطالعات پیشین را بسط و توسعه دهد با انتخاب قلمرو مکانی جدید سعی می‌کند، اصالت خود را داشته باشد. هر پژوهش اجتماعی باید یا اصالت<sup>۱</sup> داشته باشد یعنی در یکی از بخش‌های پژوهش (مانند قلمرو مکانی تحقیق، ابزار و روش تحقیق) از ویژگی نو بودن برخوردار باشد و یا اینکه اگر مطالعات دیگران از آن مطالعه حذف شوند، یافته‌ای غیر از یافته‌های آنها بر جای بماند که در اصطلاح با عنوان سهم پژوهش از آن یاد می‌شود (محمودیانی، ۱۳۹۸ به نقل از محمدی، ۱۳۹۸)؛ بنابراین تحقیق حاضر با انتخاب متغیرهای جدید و قلمرو مکانی و جامعه‌ی آماری جدید - که شامل زنان حداقل یک‌بار ازدواج کرده مناطق شهری استان بوشهر است - اصالت خود را حفظ می‌کند.

#### ۴- روش پژوهش

در این پژوهش از داده‌هایی که در راهکی در سال ۱۳۹۶ برای انجام پیمایش «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نیات و رفتارهای باروری زنان حداقل یک‌بار ازدواج کرده نقاط شهری استان بوشهر» جمع‌آوری کرده است، استفاده شده است. از آنجاکه در پرسش‌نامه‌ی مذکور سؤالات و متغیرهای خوبی برای بررسی ازدواج خویشاوندی و عوامل پشتیبان آن در مناطق شهری استان بوشهر وجود داشت، محققان فرصت را مغتنم شمرده و با استفاده از داده‌های این پیمایش مقاله‌ی حاضر را طرح‌ریزی و به رشته‌ی نگارش درآورده‌اند. مناطق نمونه‌گیری شامل مراکز شهرستان‌های بوشهر، عسلویه و جم بوده است. دلیل انتخاب این سه شهر به اهداف پژوهش اشاره شده در راستای قراردادن سه شهرستان استان بوشهر با میزان‌های متفاوت باروری برمی‌گردد. با توجه به اینکه در زمان جمع‌آوری داده‌های تحقیق دسترسی به اطلاعات بلوک‌های آماری سرشماری ۱۳۹۵ برای مناطق نمونه امکان‌پذیر نبود، از داده‌های موجود در سال ۱۳۹۰ برای آن مناطق استفاده شد. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از حوزه‌های آماری سرشماری ۱۳۹۰، تعداد زنان ۱۰ ساله و بالاتر حداقل یک‌بار ازدواج کرده سه شهر بوشهر، جم و عسلویه به ترتیب ۵۲۳۳۵، ۴۱۱۳ و ۲۳۰۱ نفر بوده است. مجموع زنان ۱۰ سال و بیشتر حداقل یک‌بار ازدواج کرده‌ی این سه شهر ۵۸۷۴۹ نفر است. با توجه به اینکه هدف مطالعه‌ی حاضر بررسی قصد باروری (قصد رفتن به توالی بالاتر فرزندآوری) بود، برای اینکه بتوان به یک حجم نمونه‌ی مقبول با توجه به توالی فرزندآوری دست‌یافت، حجم نمونه ۶۰۰ نفر در نظر گرفته شد تا زمانی با نسبت فرزندآوری متفاوت در نمونه قرار گیرند. در صورت حذف برخی از توالی فرزندآوری در زمان تحلیل، این امر زمینه‌ی تحلیل



دقیق‌تر را امکان‌پذیر می‌ساخت. برای نمونه‌گیری، ابتدا حوزه‌های آماری برای شهرهای مطالعه شده بر اساس تقسیم‌بندی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ تهیه شد. در مرحله بعد، مشخصه‌های اجتماعی و جمعیتی هر یک از حوزه‌های آماری مطالعه شده از مرکز آمار ایران تهیه شد تا مبنای خوشه‌بندی حوزه‌های مطالعه شده قرار گیرد. دو متغیری که برای خوشه‌بندی از آنها استفاده شده شامل متغیرهای جمعیت زنان ۱۰ سال و بیشتر حداقل یک‌بار ازدواج کرده و تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده‌ی زنان بودند که از تقسیم آنها شاخص متوسط زنده‌زایی زنان هر حوزه‌ی آماری به دست آمد. در مرحله بعد، با توجه به این شاخص حوزه‌های آماری به سه خوشه تقسیم شد. با توجه به آنکه حجم نمونه‌ی حاضر ۶۰۰ نفر (زنان ۱۰ سال و بالاتر حداقل یک‌بار ازدواج کرده که در سن فرزندآوری قرار دارند) تعیین شده بود، سهم خوشه‌ی اول با توجه به حجم آن ۲۵۲ نفر، سهم خوشه‌ی دوم ۱۸۵ نفر و سهم خوشه‌ی سوم ۱۶۳ نفر تعیین شد. برای تهیه‌ی نقشه‌ی حوزه‌های آماری و در مرحله بعد تهیه‌ی نقشه‌های بلوک‌های آماری از برنامه‌ی سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده شد. در کل، ۱۵ حوزه‌ی آماری به‌صورت تصادفی انتخاب و در هر حوزه‌ی آماری ۴ بلوک آماری و در هر بلوک ۱۰ نفر به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک مطالعه شدند. در انتخاب بلوک‌های موردنظر، ابتدا بلوک‌های غیرمسکونی و بلوک‌هایی که تعداد خانوارهای آن کمتر از ده نفر بوده است، حذف شد. جمع‌آوری داده از اوایل فروردین تا اواخر تیرماه ۱۳۹۶ به طول انجامید. پس از جمع‌آوری داده‌های نمونه، صحت و اعتبار داده‌های جمع‌آوری شده از طریق ارزیابی و مقایسه‌ی برخی از متغیرها تحقیق حاضر مانند تحصیلات، وضعیت زناشویی، توزیع سنی زنان مطالعه شده، توزیع تعداد فرزندان زنان با داده‌های سرشماری ۱۳۹۰ بررسی شده است. این ارزیابی‌ها بیانگر کیفیت خوب داده‌های جمع‌آوری شده بود. متغیرهای مستقلی که برای بررسی و مطالعه در پژوهش حاضر با توجه به مبنای نظری و مطالعات پیشین انتخاب شده‌اند شامل میزان تحصیلات (بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دیپلم و دانشگاهی)، وضعیت فعالیت (شاغل، خانه‌دار)، الگوی انتخاب همسر (شخص‌محور، والدمحور)، سن در هنگام ازدواج (۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰، ۲۹-۲۵ و ۳۰ به بالا) و تفاوت سنی زوجین (همسالان، ۳-۱، ۴-۶، ۷-۹ و ۱۰ سال و بیشتر) است و متغیر وابسته در پژوهش حاضر نوع ازدواج فرد پاسخ‌گو (نسبت با همسر) است که در دو دسته شامل خویشاوند (شامل پسرعمو، پسرخاله، پسرعمه، پسردایی، خویشاوند دور) و غیر خویشاوند طبقه‌بندی شده است.

درباره‌ی فرضیه‌های پژوهشی - با توجه به متغیرهای انتخاب‌شده برای تحلیل - می‌توان این فرضیه‌ی رابطه‌ای را مطرح کرد که بین متغیرهای وضعیت فعالیت، الگوی انتخاب همسر، سن در هنگام ازدواج، تفاوت سنی زوجین و نوع ازدواج فرد پاسخ‌گو (خویشاوند/ غیر خویشاوند) رابطه وجود دارد. به این صورت که:

- به نظر می‌رسد، با افزایش تحصیلات افراد احتمال ازدواج خویشاوندی کاهش یابد.
- به نظر می‌رسد، احتمال ازدواج خویشاوندی در میان زنان شاغل کمتر از زنان خانه‌دار باشد.
- به نظر می‌رسد، احتمال ازدواج خویشاوندی در بین الگوی همسر والدمحور بالاتر از شخص‌محور باشد.
- به نظر می‌رسد، احتمال ازدواج خویشاوندی در میان پاسخ‌گویانی که در سنین پایین‌تر ازدواج می‌کنند، بیشتر باشد.
- به نظر می‌رسد، هرچقدر فاصله‌ی سنی زوجین افزایش یابد، احتمال ازدواج خویشاوندی بالاتر رود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه قسمت تحلیل تک‌متغیره برای هر یک از متغیرهای پژوهشی، تحلیل دومتغیره با استفاده از جدول تقاطعی و آزمون کای اسکوئر و تحلیل چندمتغیره با استفاده از رگرسیون لجستیک چندوجهی انجام شده است.

#### ۵- یافته‌های پژوهش

در جدول شماره‌ی ۱ توزیع پاسخ‌گویان برحسب هر یک از متغیرهای پژوهش آمده است. همان‌گونه که در جدول مذکور مشاهده می‌شود، نوع ازدواج (نسبت با همسر) ۴۱/۲ درصد از زنان پاسخ‌گو، ازدواج خویشاوندی و ۱۵/۸ درصد از آنها سهم خویشاوندان نزدیک (شامل پسرعمو، پسرخاله، پسرعمه، پسردایی) بوده است. این امر با نتایج بیتلز (۱۹۹۵) که سهم ازدواج‌های هم‌نیاهای درجه اول را در کشورهای خاورمیانه یک‌سوم گزارش کرده است همسو است، این امر نشان‌دهنده‌ی رواج ازدواج خویشاوندی در استان بوشهر است.

## جدول ۱. تحلیل تک متغیره‌ی متغیرهای پژوهشی

متغیر - طبقات متغیر	درصد	متغیر - طبقات متغیر	درصد
الگوی انتخاب همسر		نوع ازدواج (نسبت با همسر)	
شخص محور	۵۶/۰	غیر خویشاوندی	۵۸/۸
والد محور	۴۴/۰	خویشاوندی	۴۱/۲
تحصیلات		تفاوت سنی زوجین	
بی سواد	۴/۰	همسان	۲/۸
ابتدایی	۱۴/۷	۱ تا ۳ سال	۱۱/۳
راهنمایی	۱۴/۲	۴ تا ۶ سال	۴۵/۰
دیپلم	۳۷/۵	۷ تا ۹ سال	۳۴/۲
دانشگاهی	۲۹/۷	۱۰ سال به بالا	۶/۷
سن ازدواج		سن پاسخ‌گویان	
۱۵-۱۹	۴۶/۲	۱۵-۱۹	۱/۳
۲۰-۲۴	۴۱/۸	۲۰-۲۴	۱۴/۰
۲۵ به بالا	۱۲	۲۵-۲۹	۱۸/۷
وضعیت فعالیت		۳۰-۳۴	
۱۴/۲	۱۴/۲	۳۵-۳۹	۲۱/۲
۸۵/۸	۸۵/۸	۴۰-۴۴	۱۶/۸

الگوی انتخاب همسر ۵۶ درصد از پاسخ‌گویان شخص محور بوده است؛ به این معنا که یا انتخاب همسر کاملاً به انتخاب خود شخص بوده یا وی انتخاب و با والدین در این زمینه مشورت کرده است؛ این در حالی است که الگوی انتخاب همسر ۴۴ درصد از پاسخ‌گویان والد محور بوده است؛ به این معنا که یا به انتخاب والدین بوده و یا والدین انتخاب و با وی مشورت کرده‌اند. در متغیر تحصیلات بیشترین فراوانی مربوط به طبقه‌ی دیپلم با ۳۷/۵ درصد و در مرتبه‌ی دوم تحصیلات دانشگاهی با ۲۹/۷ درصد است. در متغیر وضعیت فعالیت ۱۴/۲ درصد زنان پاسخ‌گو شاغل و ۸۵/۸ درصد از آنها خانه‌دار بوده‌اند. میانگین سنی زنان پاسخ‌گو ۳۲/۹ سال و همچنین میانگین سن در اولین ازدواج آن‌ها ۲۱/۱۹ سال بوده است. میانگین تفاوت سنی زوجین ۵/۸۴ سال بوده و بیشترین فراوانی در گروه ۴ تا ۶ سال تفاوت سنی با ۴۵ درصد است.

در جدول شماره ۲ تحلیل دومتغیره متغیرهای پژوهشی آمده است. برای این منظور از جدول تقاطعی به همراه آزمون معناداری کای اسکوئر استفاده شده است. براساس جدول شماره ۲ بین دو متغیر سن ازدواج پاسخ گو و نوع ازدواج پیوستگی وجود دارد و این پیوستگی با توجه به آزمون معناداری کای اسکوئر معنادار است. با توجه به نتایج جدول تقاطعی می توان گفت، هرچقدر سن ازدواج پاسخ گویان افزایش یابد، درصد ازدواج غیر خویشاوندی بالاتر می رود. به عبارتی دیگر، افرادی که در سنین پایین تر ازدواج می کنند، درصد ازدواج خویشاوندی آنها بالاتر است. بین دو متغیر الگوی انتخاب همسر و متغیر نوع ازدواج خویشاوندی نیز پیوستگی وجود دارد و با توجه به آزمون معناداری کای اسکوئر این پیوستگی معنادار است؛ به طوری که ازدواج غیر خویشاوندی در بین افرادی که الگوی انتخاب همسر آنها شخص محور بوده است بالاتر و در بین افرادی که الگوی انتخاب همسر آنها والد محور بوده است ازدواج خویشاوندی بیشتر است. بین دو متغیر تفاوت سنی زوجین و متغیر نوع ازدواج نیز پیوستگی معناداری به لحاظ آماری وجود دارد. به طور کلی می توان گفت، با بالاتر رفتن فاصله سنی زوجین درصد ازدواج غیر خویشاوندی کاهش می یابد. بین دو متغیر تحصیلات پاسخ گو و متغیر نوع ازدواج نیز پیوستگی معناداری به لحاظ آماری مشاهده می شود. همان گونه که در جدول تقاطعی مشاهده می شود، ازدواج خویشاوندی در بین پاسخ گویان با تحصیلات زیر دیپلم بالاتر و در بین پاسخ گویان با تحصیلات بالاتر کمتر است. بین متغیر وضعیت فعالیت و نوع ازدواج پیوستگی معناداری به لحاظ آماری مشاهده نمی شود.

جدول ۲. تحلیل دومتغیره متغیرهای پژوهشی با استفاده از جدول تقاطعی و آزمون کای اسکوئر

X <sup>2</sup>	نوع ازدواج		متغیر - طبقات متغیر	
	خویشاوندی	غیر خویشاوندی		
۷۰/۰۴۶ <sup>***</sup>	۵۷/۴	۴۲/۶	۱۵-۱۹	سن ازدواج زنان
	۳۰/۵	۶۹/۵	۲۰-۲۴	
	۱۲/۵	۸۷/۵	۲۵ به بالا	
۱۳/۹۱۳ <sup>***</sup>	۳۴/۵	۶۵/۵	شخص محور	الگوی انتخاب همسر
	۴۹/۶	۵۰/۴	والد محور	

X <sup>2</sup>	نوع ازدواج		متغیر - طبقات متغیر	
	خویشاوندی	غیر خویشاوندی		
۷۰/۰۴۶ <sup>**</sup>	۲۵/۰	۷۵/۰	همسان	تفاوت سنی زوجین
	۲۳/۵	۷۶/۵	۱ تا ۳ سال	
	۴۷/۰	۵۳/۰	۴ تا ۶ سال	
	۴۴/۹	۵۵/۱	۷ تا ۹ سال	
	۳۰/۰	۷۰/۰	۱۰ سال به بالا	
۱۶/۴۲۲ <sup>**</sup>	۵۲/۸	۴۷/۲	زیر دیپلم	تحصیلات
	۳۶/۰	۶۴/۰	دیپلم	
	۳۴/۸	۶۵/۲	دانشگاهی	
۰/۰۵۶	۴۱/۴	۵۶/۶	خانه‌دار	وضعیت فعالیت
	۴۰/۰	۶۰/۰	شاغل	

\* معنادار در سطح  $P < 0/05$ \*\* معنادار در سطح  $P < 0/01$ 

در جدول شماره ۳ تحلیل چند متغیره‌ی متغیرهای پژوهشی با استفاده از رگرسیون لوجستیک دو وجهی آمده است. برای درک بهتر از چگونگی تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق در متغیر وابسته این امر در دو مرحله‌ی انجام شده است. در مرحله‌ی اول متغیرهای مربوط به ازدواج شامل سن ازدواج، الگوی انتخاب همسر و تفاوت سنی زوجین وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. همان‌گونه که نتایج آماره‌ی نیجل کرک نشان می‌دهد، این متغیرها توانسته‌اند حدود ۱۶ درصد از تغییرات متغیر نوع ازدواج (نسبت با همسر) را تبیین کنند. درحالی‌که در مرحله‌ی دوم با ورود سایر متغیرهای مستقل به معادله‌ی رگرسیونی تنها دو درصد بر ضریب تعیین نیجل کرک اضافه شده است که نشان‌دهنده‌ی تأثیر تغییرات حوزه‌ی ازدواج در سایر ابعاد آن - در اینجا نوع ازدواج - است. درباره‌ی این موضوع در قسمت بحث و نتیجه‌گیری صحبت خواهد شد. همان‌گونه که در مرحله دوم مشاهده می‌شود، با ورود همه‌ی متغیرها به معادله‌ی رگرسیونی از بین عوامل پشتیبان انتخاب شده تنها متغیرهای سن ازدواج، الگوی انتخاب همسر و تحصیلات معناداری خود را با کنترل سایر متغیرهای مستقل حفظ کرده‌اند. نتایج رگرسیون لوجستیک نشان می‌دهد با افزایش سن ازدواج، احتمال ازدواج خویشاوندی کاهش می‌یابد. نسبت بخت به دست آمده برای این متغیر ۰/۷۵۹ است که نشان می‌دهد، احتمال ازدواج خویشاوندی در افرادی که در سنین بالاتر

ازدواج می‌کنند نسبت به افرادی که در سنین پایین‌تر ازدواج می‌کنند، کمتر است. برای تفسیر آسان‌تر اگر عدد یک را بر ۰/۷۵۹ تقسیم کنیم، نسبت بخت برای افرادی که در سنین پایین‌تر ازدواج می‌کنند به دست می‌آید. در این صورت نسبت بخت ۱/۳۲ به دست می‌آید؛ به این معنا که با کاهش یک واحد در سن ازدواج، احتمال ازدواج خویشاوندی در بین افراد به نسبت ۱/۳۲ افزایش می‌یابد. درباره‌ی الگوی انتخاب همسر گروه مرجع شخص محور در نظر گرفته شده است. نسبت بخت به دست آمده برای گروه والد محور ۱/۶۰۴ است؛ یعنی افرادی که الگوی انتخاب همسر آنها والد محور بوده در مقایسه با افرادی که الگوی انتخاب همسر آنها شخص محور بوده به نسبت ۱/۶۰ برابر احتمال بیشتری برای ازدواج خویشاوندی دارند.

جدول ۳. تحلیل چند متغیره‌ی متغیرهای پژوهشی با استفاده از رگرسیون لجستیک دووجهی

۲			۱			متغیر
B	Wald	EXP(B)	B	Wald	EXP(B)	
-۰/۲۷۵	۵۲/۴۹۱ <sup>***</sup>	۰/۷۵۹	-۰/۲۶۷	۵۲/۶۴۲ <sup>***</sup>	۰/۷۶۵	سن ازدواج
-	-	-	-	-	-	الگوی انتخاب همسر (مرجع شخص محور)
۰/۴۶۲	۲/۴۳۵ <sup>**</sup>	۱/۶۰۴	۰/۴۸۵	۲/۴۹۸ <sup>**</sup>	۱/۶۲۵	والد محور
۰/۱۴۱	۰/۲۲۱	۰/۱۵۱	۰/۱۵۲	۰/۲۴۷	۰/۱۴۸	تفاوت سنی زوجین
-	۶/۷۲۶ <sup>*</sup>	-	-	-	-	تحصیلات (مرجع دانشگاهی)
۰/۴۲۵	۲/۴۵۵ <sup>**</sup>	۱/۵۳۱	-	-	-	زیر دیپلم
-۰/۲۱۰	۰/۷۸۸	۰/۸۱۰	-	-	-	دیپلم
-	-	-	-	-	-	وضعیت فعالیت (مرجع خانه‌دار)
-۰/۱۸۷	۰/۴۶۹	۰/۸۲۸	-	-	-	شاغل
۰/۱۸۷			۰/۱۶۷			Nagelkerke R Square
۸۹/۸۳۳ <sup>***</sup>			۷۹/۴۹۸ <sup>***</sup>			Omnibus Tests

\* معنادار در سطح  $P < 0.05$

\*\* معنادار در سطح  $P < 0.01$

در رابطه با متغیر تحصیلات، طبقه‌ی دانشگاهی گروه مرجع در نظر گرفته شده است. بین ازدواج خویشاوندی و طبقه‌ی زیر دیپلم رابطه معناداری است. نسبت بخت به دست آمده برای این طبقه ۲/۴۵۵ به دست آمده است؛ بدین معنا که افرادی که تحصیلات زیر دیپلم دارند نسبت به افرادی که تحصیلات دانشگاهی دارند به نسبت ۲/۴۵۵ احتمال بالاتری برای ازدواج خویشاوندی دارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج به‌عنوان یک واقعه‌ی حیاتی همواره توجه جمعیت‌شناسان را به خود جلب کرده است و آنها به‌صورت پیوسته تغییرات و علل تحولات آن را در جنبه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی دنبال کرده‌اند. یکی از جنبه‌های مهم ازدواج؛ نوع ازدواج (نسبت با همسر) است. ازدواج خویشاوندی در ایران همانند سایر کشورهای خاورمیانه از دیرباز رواج داشته است. همان‌گونه که در مقدمه پژوهش ذکر شد، این‌گونه ازدواج با کارکردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه‌ی ایرانی همراه بوده است. تئوری‌های ساختاری اساساً مدعی‌اند، با تحول در شیوه‌ی تولید اقتصادی، تحصیلات، شهرنشینی، رشد درآمد و گسترش مصرف، ارتباطات سریع‌تر و تغییرات شبکه‌ها و سرانجام گسترش سایر فناوری‌های جدید این نوع از ازدواج رو به کاهش خواهد رفت؛ بنابراین توجه به تغییرات این نوع از ازدواج برای جمعیت‌شناسان اهمیت دارد، چراکه یافته‌های پژوهشی - همان‌گونه که اشاره شد- نشان‌دهنده‌ی آن است که این نوع ازدواج با سطوح باروری بالاتر و همچنین میزان‌های طلاق در ارتباط است.

۲۱

نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده‌ی رواج ازدواج خویشاوندی در جامعه‌ی مورد مطالعه است؛ به‌طوری که ۴۱/۲ درصد از زنان مطالعه شده ازدواج خویشاوندی را گزارش داده‌اند. این نتیجه با مطالعات دیگر انجام‌شده در ایران توسط سایر پژوهشگران در طول زمان همسو است (Givens & Hirschman, 1994؛ عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۳؛ سعادت و همکاران، ۲۰۰۶؛ عباسی شوازی و ترابی ۱۳۸۵؛ محمودیانی ۱۳۹۸). با توجه به نتایج این پژوهش و پژوهش‌های پیشین می‌توان گفت، ازدواج خویشاوندی در جامعه‌ی ایران کماکان استحکام و مقبولیت خود را حفظ کرده است. با رواج عناصر نوسازی مانند تحول در شیوه‌ی تولید اقتصادی، تحصیلات، شهرنشینی، رشد درآمد و گسترش مصرف، ارتباطات سریع‌تر، تغییرات شبکه‌ها و گسترش سایر فناوری‌های جدید رواج ازدواج خویشاوندی در جامعه ایران تغییری نکرده است.

مسئله‌ی مهم‌تر، عوامل پشتیبان از ازدواج خویشاوندی در میان زنان مورد بررسی بود که تحقیق حاضر سعی کرد برخی از این عوامل را بررسی کند. نتایج تحلیل چند متغیره با استفاده از رگرسیون لجستیک می‌دهد، متغیرهای مربوط به ابعاد ازدواج از ازدواج خویشاوندی بیشتر پشتیبانی می‌کنند. یکی از این عوامل پشتیبان سن ازدواج بود، به‌طوری که در میان پاسخ‌گویانی که در سنین پایین‌تر ازدواج می‌کنند در مقایسه با کسانی که در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند، احتمال ازدواج خویشاوندی بیشتر است. این نتیجه با نتایج دواتی و همکاران (۱۳۸۸) و Givens & Hirschman (۱۹۹۴) همسو است. یکی دیگر از جنبه‌های ازدواج که در تحقیق حاضر تأثیر

آن در ازدواج خویشاوندی تأیید شد الگوی انتخاب همسر بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد احتمال ازدواج خویشاوندی در میان پاسخ‌گویانی که الگوی انتخاب همسر توسط آنها والدمحور بوده است بالاتر از کسانی است که الگوی انتخاب همسر آنها شخص‌محور است. این امر به صورت ضمنی با نتایج عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵ الف) همسو است. نتایج مطالعه‌ی عباسی شوازی و ترابی بیان می‌کند، ازدواج افراد با ویژگی‌های مدرن با یکی از خویشاوندان کمتر از افرادی است که ویژگی‌های سنتی دارند. همچنین در تحقیق حاضر، تأثیر تحصیلات در ازدواج خویشاوندی تأیید شد. نتایج رگرسیون لوجستیک نشان می‌دهد، آن بود احتمال ازدواج خویشاوندی در بین پاسخ‌گویان با تحصیلات زیر دیپلم بالاتر از پاسخ‌گویانی است که تحصیلات دانشگاهی دارند.

در مجموع می‌توان گفت، تغییرات ازدواج خویشاوندی در جامعه‌ی ایرانی بیش از آنکه مستقیم از عوامل نوسازی مانند تحصیلات، اشتغال زنان، شهرنشینی و استفاده از فناوری‌های جدید متأثر باشد از تغییر در سایر ابعاد ازدواج و خانواده تأثیر می‌پذیرد. نهاد خانواده نهاد مستحکم در برابر تغییر است و به نظر می‌رسد، عاملی که سبب تغییر در ازدواج خویشاوندی شود برآمده از سایر اجزای سیستم و نهاد خانواده و ازدواج باشد. به طوری که با توجه به نتایج این پژوهش انتظار می‌رود با افزایش سن ازدواج جوانان و تغییر الگوهای والدمحور یا به عبارتی دیگر ازدواج‌های ترتیب یافته به الگوهای شخص‌محور از میزان رواج ازدواج خویشاوندی کاسته شود. از سوی دیگر، تحول دیگری که می‌تواند در آینده در کاهش ازدواج خویشاوندی مؤثر باشد، کاهش میزان باروری در ایران است. با کاهش باروری به زیر سطح جانمایی دایره‌ی خویشاوندی به مرور کاهش خواهد یافت و این امر زمینه‌ی انتخاب همسر از میان خویشاوندان را با محدودیت روبه‌رو می‌کند.



## منابع

- ◀ آزاد ارمکی، تقی و مصطفی ظهیری‌نیا، (۱۳۸۹). «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده»، خانواده پژوهی، س ۶، ش ۲۳.
- ◀ دواتی، علی، فرهاد جعفری، ناهید خلدی و محمد صداقت، (۱۳۸۸). «بررسی فراوانی ازدواج فامیلی در شهر تهران و عوامل مرتبط»، علوم علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، ج ۱۰، ش ۴.
- ◀ سرایی، حسن، (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، س ۱، ش ۲.
- ◀ صادقی، رسول، نسیمه زنجری و سراج‌الدین محمودیانی، (۱۳۹۷). «تأثیر الگوهای ازدواج در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق در شهر تهران»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۱، ش ۸۱.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و رسول صادقی، (۱۳۸۴). «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران»، پژوهش زنان، د ۳، ش ۱.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و عباس عسکری ندوشن، (۱۳۸۴). «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم اجتماعی، د ۱۱، ش ۲۵.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و فاطمه ترابی، (۱۳۸۵ الف). «سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۲.
- ◀ \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ ب). «تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران»، جامعه‌شناسی ایران، د ۷، ش ۴.
- ◀ کتابی، احمد، (۱۳۷۹). «زناشویی با خویشاوندان بسیار نزدیک در ایران باستان»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۶.
- ◀ گروسی، سعیده، فاطمه یاری نسب، (۱۳۹۹). «تفاوت نسلی نگرش به ارزش‌های ازدواج و عوامل موثر در آن در زنان ساکن شهر یاسوج»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۲، ش ۸۷.
- ◀ محمودیانی، سراج‌الدین، (۱۳۹۸). «ازدواج خویشاوندی و عوامل پیش‌بینی‌کننده آن در میان زنان مهاجر در شهرهای تهران و ملارد»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، س ۴، ش ۲۷.
- ◀ مقصودی، سوده، طاهره بازمانده و سیدمحمد حسین موسوی نسب، (۱۳۹۹). «بررسی رابطه‌ی سبک‌های عشق‌ورزی با سازگاری زناشویی (مورد مطالعه: زنان شاغل شهر کرمان)»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۹۰.
- Abbasi Shavazi, M.J. P. McDonald and M. Hossein-Chavoshi (2008). "Modernization or cultural maintenance: The practice of consanguineous marriage in Iran". *Journal of Biosocial Science*, 40.
- Barbour, B. and P. Salameh (2009). "Consanguinity in Lebanon: Prevalence, distribution and determinants". *Journal of Biosoc. Sci* 41.

- ▶ Bhaskar, B. S. Suresh and R. Avadhani (2012). "Prevalence and Pattern of Consanguineous Marriages among Different Communities in Mangalore". *Online Journal of Health and Allied Sciences* 11(4).
- ▶ Bittles A. H. (1995). "Reproductive behavior and health in consanguineous marriages". *Science* 252.
- ▶ \_\_\_\_\_ (2008). "A community genetics perspective on consanguineous marriage". *Community Genet*, 11.
- ▶ \_\_\_\_\_ (1994). "The Role and significance of consanguinity as a demographic variable". *Population and Development Review* 20 (3).
- ▶ \_\_\_\_\_ (2001). "A bacbkground summary of consanguineous marriage". Centre for Human Genetics, Perth: Edith Cowan University.
- ▶ Bittles, A. H, M. L. Black (2010). "Consanguineous marriage and human evolution". *Annual Review of Anthropology*, 39.
- ▶ Caldwell, J. (1982). "*Theory of fertility decline*". London: Academic Press.
- ▶ Cleland, J, Wilson C. (1987). "Demand Theories of The fertility Transition: An Iconoclastic View". *Population Studies* 41(1).
- ▶ Cleland, J. (2001). "The effect of improved survival on fertility transition: An iconoclastic view". *Population Study* 41(1).
- ▶ Diamond, N. (1979). "Women and industry in Taiwan". *Modern China* 5(3).
- ▶ Givens, B.P. C.H. Hirschman (1994). "Modernization and consanguineous marriage in Iran". *Journal of Marriage and Family* 56.
- ▶ Goode, W. (1963). "*World revolution and family patterns*". London: Free press of Glencoe.
- ▶ Hamamy H, Antonarakis S. E, Cavalli-Sforza L.L, et al. (2011). "Consanguineous marriages", pearls and perils: Geneva International Consanguinity Workshop Report. *Genet Med* 13.
- ▶ Hawley, A.H. (1971). "Urban society". New York: Ronald Press.
- ▶ Jayakody, R. A. Thornton, W. Axinn (2008). "International Family Change: Ideational Perspectives". Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum and Associatee.
- ▶ Klat M, Khudr A. (1985). "Cousin Marriages in Beirut: is the pattern changing". *J Biosoc Sci*, 16.

- Lehmann, W.C (1960). “*John Millar of Glasgow: 1735-1801*”. New York: Arno Press.
- Lesthaeghe, R, Wilson, C. (1986). “Modes of production, secularization and the pace of fertility decline in Western Europe, 1870-1930”. Princeton, NJ. Princeton University Press.
- Lesthaeghe, R. (2010).”The unfolding story of the second demographic transition”. *Population and Development Review* 36(2).
- Mazharul Islam, M. (2012). “The Practice of Consanguineous Marriage in Oman: Prevalence, Trends and Determinants”. *J. Biosoc. Sci* 44.
- Meek, R. I. (1976). “*Social Science and the ignorable Savage*”. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Saadat, M. M. Ansari-Lari and D. Farhud (2004). “Consanguineous marriage in Iran”. *Annals of Human Biology* 31(2).
- Sandridge A. L, Takeddin J, Al-Kaabi E, et al. (2010). “Consanguinity in Qatar: knowledge, attitude and practice in a population born between 1946 and 1991”. *J Biosoc Sci* 42.
- Smith, R.M. (1981). “Fertility, economy, and household formation in England over three centuries”. *Population and Development Review* 7(4).
- Tadmouri G. O, Nair P, Obeid T, et al. (2009). “Consanguinity and reproductive health among Arabs”. *Reprod Health* 6(17).
- Thornton, A. (2005). “Reading history sideways: The fallacy and enduring impact of the developmental paradigm on family life”. Chicago: University of Chicago Press.
- Thornton, A. H-S Lin (1994). “*Social Change and the Family in Taiwan*”. Chicago: The University of Chicago Press.
- Westoff, C. F, Ryder, N. B. (1977). “*The contraceptive revolution*”. Princeton, NJ: Princeton University Press.